

## اسناد و یادداشت‌هایی دربارهٔ پرفسور حمیدالله و آیت‌الله احمدی میانجی

### سیدهادی خسروشاهی

... در سال ۱۳۴۷ خورشیدی از طریق ترکیه، بلغارستان، یوگسلاوی، اتریش و آلمان به «فرانسه» رسیدم. در این سفر که به دعوت انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا انجام گرفت، علاوه بر سخنرانی برای دانشجویان مسلمان، در کشورهای مزبور، با شخصیت‌های اندیشمند و برجستهٔ اسلامی مقیم هم دیدار و گفتگو داشتم.

در پاریس همراه یکی از برادران دانشجویو به دیدار پرفسور دکتر محمد حمیدالله حیدرآبادی رفتم. او در آپارتمانی کوچک و ملامال از کتاب، به تنهایی زندگی می‌کرد. از لوازم زندگی به کمترین آن‌ها اکتفا کرده بود. از رادیو و تلویزیون و سالن پذیرایی و میلمان! خبری نبود. او مدت‌ها بود که از گوشت‌خواری هم پرهیز داشت و به گیاهخواری و فرآورده‌های لبنی و غذای غیر حیوانی، بسنده می‌کرد.

در معتقدات مذهبی تا آن حد سنتی بود که مانند اغلب علمای شبه قارهٔ هند در آن زمان، «عکس» گرفتن را غیرمجاز می‌دانست و وقتی ما خواستیم از او عکسی به عنوان یادگاری بگیریم، گفت که آن را مجاز نمی‌داند و نمونه‌ای از عکسی را که به قول خود، برای پاسپورت و «از روی اضطرار!» آن را گرفته بود، به ما داد که آن را می‌بینید.

... محمدحمیدالله در محرم ۱۳۲۶ هـ.ق در شهر حیدرآباد هند، به دنیا آمد و پس از آموزش مقدمات، به دانشکدهٔ «دارالعلوم» حیدرآباد وارد شد و مراحل مختلف درسی را در این دانشکده سپری نمود و سپس راهی غرب گردید و در آنجا موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشتهٔ حقوق گردید و مراحل بعدی را تا دکتری در حقوق و فلسفه در دانشگاه بن، آلمان و سپس دانشگاه سوربن پاریس به پایان رساند؛ در حالی که فقط ۲۸ سال داشت. پس از آن، شصت سال تمام، به تدریس در دانشگاه‌های مختلف غرب و کشورهای اسلامی

مانند: ترکیه، مصر، مالزی و تألیف ده‌ها کتاب به چندین زبان که بر آن‌ها تسلط کامل داشت، پرداخت. دکتر حمیدالله با تسلط بر چندین زبان، با اغلب مستشرقین و دانشمندان غربی-اروپایی مکاتبه داشت و با آن‌ها، ملاقات و گفتگو می‌کرد و در پاسخ به اتهامات مستشرقین و ارباب کلیسای طولانی داشت و مقالات متعددی نیز در این زمینه از او به یادگار مانده است. ایشان علاوه بر زبان‌های اردو، فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه، ایتالیایی، آلمانی، ترکی و روسی که بر آن‌ها مسلط بود، در اواخر عمر خود به آموختن زبان تایلندی پرداخته بود.

تخصّص اصلی دکتر حمیدالله در **فقه و قانون بین‌المللی اسلامی** بود و از آثار ارزشمند او در این زمینه، کتاب «سلوک بین‌المللی دولت اسلامی» است که خوشبختانه به زبان فارسی ترجمه و بارها چاپ شده است. استاد دکتر **سیدمصطفی محقق داماد** که خود، متخصص رشتهٔ فقه و حقوق بین‌الملل است، دربارهٔ اهمیت و ارزش این کتاب وی *The Muslim Conduet Of State* که ترجمهٔ آن را منتشر ساخته است، چنین می‌نویسد:

«... نوشتهٔ حاضر برگردان یکی از بزرگ‌ترین آثار او در زمینهٔ حقوق بین‌الملل عمومی از دیدگاه اسلام است. این کتاب، اولین بار در سال ۱۹۳۵م در بن به زبان آلمانی منتشر شد و پس از آن توسط مؤلف به زبان انگلیسی، فرانسه و هندی ترجمه گردید و تاکنون بیش از ۷ بار تجدیدنظر و چاپ شده است.<sup>۱</sup> تتبع انجام شده نشان می‌دهد که پس از انتشار این کتاب، آن‌چه تاکنون به عنوان مختلف به زبان پارسی دربارهٔ حقوق بین‌الملل عمومی نوشته شده یا اعراب تحت عنوان «الفقه السیاسی» نگاشته‌اند و نیز آن‌چه در آکادمی لاهه تحت عنوان *Islamic Doctrine Of International Law* تدریس شده، اقتباس باواسطه‌یابی واسطه، یا لاقلاً متأثر از این اثر بزرگ است. ما به منظور حفظ امانت و نیز ارائهٔ روش جدید در تحقیق فقهی و حفظ غنای منابع که می‌تواند بهترین راهگشای پژوهشگران باشد، متن اصلی را به پارسی برگردانیده‌ایم. تخصص اصلی محمدحمیدالله فقه است، اما به سبک رایج در حوزه‌های معاصر تفقه نمی‌کند، بلکه با اشراف کامل بر کلیهٔ آثار مطبوع و خطی در کتابخانه‌های مختلف دنیا و آگاهی بر تمدن، تاریخ، جغرافیا و فرهنگ اسلامی در جهان، از یک سو و از سوی دیگر آشنایی کامل به حقوق مدرن، به ویژه فقهی نگاه افکنده و نظریه‌پردازی کرده است...»<sup>۲</sup>

بعضی دیگر از آثار معروف دکتر حمیدالله عبارتند از:

۱- ترجمهٔ قرآن کریم به زبان فرانسه (که بیش از سی‌بار و هر بار در ده‌ها هزار نسخه در فرانسه و کشورهای دیگر چاپ شده است).

۲- زندگي و کارنامهٔ پیامبراسلام به زبان فرانسه در دو جلد (آخرین بار در سال ۱۹۸۹ چاپ شده است).

۱. اولین بار در ۱۹۴۱ به زبان انگلیسی و بار هفتم با ویرایش تازه در ۱۹۸۷ به چاپ رسید.  
۲. سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه و تحقیق دکتر سیدمصطفی محقق داماد، چاپ چهارم، تهران، سال ۱۳۸۶، صفحهٔ ۱.

- ۳- شناخت اسلام، به فرانسه که به بیش از سی زبان دیگر نیز، ترجمه و منتشر شده است.
  - ۴- نامه‌های سیاسی پیامبر اکرم (ص) که برای نخستین بار در سال ۱۹۸۶م در پاریس منتشر گردید.
  - ۵- فهرست ترجمه‌های «معانی القرآن» معرفی ۱۲۰ ترجمه از قرآن مجید (چاپ استانبول).
  - ۶- تصحیح ترجمهٔ صحیح بخاری به فرانسه (پاریس).
  - ۷- مجموعه نامه‌ها و اسناد دوران پیامبر و خلفا (به زبان عربی، چاپ بیروت).
  - ۸- تصحیح و تحقیق انساب الاشراف بلاذری (چاپ مصر).
  - ۹- کتاب الانوار ابن قتیبه (چاپ هند).
  - ۱۰- سیره ابن اسحاق (چاپ مغرب).
- علاوه بر این آثار و ده‌ها کتاب دیگر، پروفسور حمیدالله در تهیهٔ مقالاتی برای چند دائرةالمعارف اسلامی که به زبان‌های: اردو، فرانسه و انگلیسی منتشر شده، شرکت داشته است. در سیرهٔ نبوی نیز دکتر حمیدالله آثاری دارد که به تدریج و با عناوین ویژه‌ای آن‌ها را منتشر نمود و سپس مجموعهٔ تکمیل شده آن‌ها را به دست چاپ سپرد که از آن جمله بود:
۱. الرسول و حياة السیاسیه ۲. نظام الحکم فی العهد النبوی ۳. تراتیب الدراسة و التعليم فی العهد النبوی
  ۴. ساخته القتال فی العهد النبوی ۵. الرسول و وثائقه السیاسیه ۶. رساله السیره النبویه الی العصر الراهن.
- در این سیره‌نویسی، دکتر حمیدالله به دنبال عبارت‌پردازی نیست و در تدوین حوادث زندگی پیامبر، فقط به کتاب‌ها و منابع موجود اکتفا نمی‌کند، بلکه در مواردی، وارد تحقیق عملی و میدانی می‌شود که از آن جمله در موقع تألیف کتاب «رسول اکرم در میدان جنگ» برای بررسی مناطق و سرزمین‌هایی که پیامبر اکرم در جنگ‌های آن شرکت داشت، چندین بار به «جزیره العرب» سفر کرد و از میداین جنگ و مناطق مطرح شده در کتاب‌ها، بازدید به عمل آورد و عکس‌ها و نقشه‌هایی تهیه نمود که در کتاب خود آن را نقل کرده است.<sup>۱</sup>
- و در همین راستا، در بررسی مسایل مربوط به دوران ورود پیامبر اکرم به مدینه به مسایلی از قبیل امور اداری، اقتصاد و چگونگی زندگی و معیشت مردم و نیز چگونگی اخوت و برادری مهاجرین و انصار می‌پردازد که در اغلب سیره‌های مکتوب و موجود، در این زمینه‌ها کمتر بحث و بررسی به عمل آمده است.
- دکتر حمیدالله در مورد پاسخ به اتهامات مستشرقین و پدران روحانی و ارباب کلیسا هم از همین روش استفاده می‌کرد و هر تهمت و دروغی را که آن‌ها دربارهٔ پیامبر اکرم و اسلام و قرآن منتشر می‌نمودند، با دلیل منطقی و موازین علمی مورد بررسی قرار داده و پاسخ می‌داد.

\*\*\*

۱. این کتاب را مرحوم استاد سید غلامرضا سعیدی ترجمه و چاپ کرده که اخیراً نیز از سوی مؤسسه انتشارات اطلاعات تجدید چاپ شده است.

... در دیداری که من با او داشتم، به خوبی روشن شد که دکتر حمیدالله تحت تأثیر تعصبات مذهبی، نژادی و قومی و ملی قرار ندارد و خود را «مسلمان» و هویت خود را «اسلام» می‌داند. او با این که در خانواده و محیط شافعی به دنیا آمده و پرورش یافته بود، اما بیشتر به تحقیق در منابع فقهی حنفی پرداخت و آثار فقه‌های حنفی را تصحیح، تکمیل و منتشر نمود. حتی کتاب او درباره سلوک بین‌المللی در دولت اسلامی هم مبتنی بر آرا و افکار علمای مذهب حنفی است و درباره مسایل جهان اسلام هم دیدگاهی کاملاً اسلامی دارد و به فرقه، مذهب و سرزمین خاصی، تعصب نمی‌ورزد و با احترام نقل می‌کند که امام صادق (ع) استاد ابوحنیفه بوده است. دکتر حمیدالله از لحاظ زندگی مادی هرگز به فکر رفاه و آسایش مورد پسند اهل زمان نبود. با زندگی به اصطلاح ما، «درویشی» به سر برد و هزینه زندگی خود را از راه تدریس و تألیف تأمین می‌کرد و از قبول هرگونه هدیه و جایزه‌ای خودداری می‌نمود.

در دوران ریاست جمهوری «ضیاءالحق» در پاکستان، بالاترین نشان «جمهوری اسلامی پاکستان» همراه یک میلیون روپیه جایزه نقدی به او پرداخته شد که بلافاصله مبلغ مزبور را به «مرکز تحقیقات اسلامی» در اسلام‌آباد اهدا نمود و در مصاحبه‌ای گفت: «من اگر این جایزه را بپذیرم، پس برای آخرت خود چه توشه‌ای فراهم کنم؟».

در سال ۱۴۱۴ق، ۱۹۹۴م هم جایزه بین‌المللی «ملک فیصل» در مورد «خدمت به اسلام» به دکتر حمیدالله تعلق گرفت، ولی او از پذیرفتن آن هم خودداری نمود و ضمن تشکر از اهداکنندگان گفت: «من آن چه را که نوشته‌ام، برای خدا بود، اجازه بدهید که نیت من خراب و معشوش نشود». دکتر حمیدالله بیش از ۱۶۰ جلد تألیف و تحقیق و تصحیح و بیشتر از ۹۳۵ مقاله، به زبان‌های مختلف از خود به یادگار گذاشت... ابودرّوار زندگی کرد و پس از ۹۴ سال تلاش و کوشش صادقانه و مخلصانه، سرانجام در ۱۳ شوال ۱۴۲۳ق، ۱۷ دسامبر ۲۰۰۲م در یک سفر علمی، در آمریکا درگذشت و به حق پیوست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

... پس از مراجعت از سفر چند ماهه به کشورهای اروپایی، بر اغلب شخصیت‌هایی که با آنها دیداری داشتم، تعدادی کتاب به زبان‌های: فارسی، عربی و انگلیسی درباره تشیع و ایران فرستادم که در بین آنها، از کسانی که اعلام وصول نمودند، دکتر حمیدالله حیدرآبادی - مقیم پاریس - بود. که طی نامه‌ای ضمن اعلام وصول، نکاتی را هم در مورد کتاب «اصل الشیعه و اصولها» تألیف مرحوم آیت‌الله شیخ‌محمدحسین را کاشف الغطاء یادآور شده بود که نشان می‌داد به دقت کتاب را مطالعه نموده و موارد مورد نظر خود را یادداشت کرده است که در متن نامه وی آن نکات را خواهید دید.

دکتر حمیدالله پس از یادآوری نکات مورد نظر، سئوالی را نیز مطرح کرده و پاسخ آن را از من خواسته بود... و آن در مورد وصیت امام‌علی‌علیه‌السلام به نیابت و امامت فرزند خود امام‌حسن‌علیه‌السلام است. دکتر حمیدالله خواسته بود که مأخذ و منابع معتبر تاریخی که این مسئله را ذکر کرده باشد، به او معرفی نمایم. با توجه به اهمیت موضوع و سابقه همکاری اینجانب با آیت‌الله شیخ‌علی‌احمدی میانجی در تهیه و تنظیم

توضیحات مربوط به کتاب «شیعه»- مجموعهٔ مذاکرات استاد علامه طباطبائی با پرفسور هانری کربن از پاریس- و به علت لزوم تسریع در پاسخ، طی نامه‌ای از آیت‌الله‌احمدی خواستم با توجه به تحقیقاتی که در این زمینه دارند، زحمت تهیه این پاسخ را بپذیرند. تا برای دکتر حمیدالله ارسال گردد. آیت‌الله‌احمدی با توجه به لطف و محبتی که به اینجانب داشتند، درخواست مرا اجابت نموده و پاسخ و توضیحی تفصیلی، و متقن در زمینه سؤال دکتر حمیدالله، تهیه و به حقیر داد: که من کپی آن را، برای آقای دکتر حمیدالله فرستادم و اصل نسخه- دستخط آیت‌الله‌احمدی- را برای خود نگاه داشتم. خوشبختانه اخیراً آن متن در میان کودی از اوراق و یادداشت‌ها و نوشتارها! به دست آمد که برای استفاده عموم متن کامل آن را- پس از نقل نامه دکتر حمیدالله- عیناً در نشریه وزین پیام بهارستان می‌آوریم؛ به امید آنکه مورد توجه اساتید و اهل تحقیق قرار گیرد.

اینک متن نامه دکتر حمیدالله حیدرآبادی:

بسم‌الله

فرانسه

فی ۸ شوال ۱۳۸۷هـ

حضرت‌الاستاذ الفاضل حفظه‌الله فی الأجل والعاجل  
السلام المسنون علیکم و رحمة‌الله و برکاته و بعد فقد تسلمت مع جزیل الشکر الکتب الی تفضلتم  
بارسالها.

انأ لا ارحب آراء المستشرقین و الاستناد بها، فانهم کمالایخفی علی فضیلتکم، یشتغلون بکل هعصم  
و همهم، بالتشتیت بین اهل القبلة و أضعف شئی فی کتاب «اصل الشیعه» هو آراء الناس عنه و فی رأی  
الحقیر مشک آنست که خود بیوید نه آنکه عطار بگوید.

على الصفحة ۲۲ سطر ۱۶: «لا یوجد بلدة اسمها کونیکو سوچ. هی کونینگس برگ Königsberg  
و هی الان فی روسیا.

على الصفحة ۲۳ سطر ۱۰ «برن» فی سوپسرا و دالمراد ههناپون عاصمة ألمانيا الغربية والاستاذ المتوفی  
کونیکو، کان فی بون Bonn.

على الصفحة ۱۰۹ سطر ۱۳ ذکر المؤلف المرحوم: «و اوصی علیّ ولده الحسن ...» لیت شعری هل یمکن  
لفضیلتکم إرجاعی الی ما أخذ و مستند تاریخی الی ان سیدنا علیاً رضی الله عنه، سَمی ابنه ولیاً للعهد. فان  
له اهمية كبيرة فی تاریخ علم الدستور عندالمسلمین و منذ سنین عديدة أسائل العلماء و أتصفح الکتب عنه  
بدون نجاح.

ان کتب العقائد تذکره و لکن کتب التاريخ لاتذکره. هناك وصية معروفة لسیدنا علی ولكن ليس فیها  
ذکرالحکومة و الإمامة او الخلافة بل مسائل عائلية فحسب. فاذا كانت توجد وصية أخرى تذكّر الامامة فهو  
ما ابحت عنه.

لو كان المؤلف المرحوم حیاً لعرضت علیه بعض ما یمرّ ببالی، کالمورخ لأحوال صدرالاسلام.

و دتمم بالعافية التامة.

محمدحمیدالله

متن این نامه نشان می‌دهد که دکتر حمیدالله، همه مطالب و صفحات کتاب اصل الشیعة را مطالعه کرده و در مواردی که حتی اشتباهی در ذکر نام شهر یا فرد نقل شده، آن را با ذکر صفحه، سطر تصحیح نموده و سپس مشکل اصلی خود را درباره مسئله وصیت به نیابت و امامت امام حسن علیه‌السلام - پس از شهادت حضرت علی علیه‌السلام - مطرح ساخته است. و اینک پاسخ آیت‌الله‌احمدی میانجی که به درخواست اینجانب - و خطاب به حقییر آن را مرقوم داشته‌اند....

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

جناب آقای خسروشاهی

پس از سلام نامه شریفه زیارت شد و از مضمون آن اطلاع حاصل گردید از حسن ظن و لطف آندوست گرامی متشکرم. ذیلاً در جواب آن دانشمند محترم مطالب آتیه را که در یادداشت‌های قدیمی موجود بود بضمیمه آنچه که فعلاً در دسترس موجود بود نوشتم امید است مقبول افتد.

الذی یعتقده الامامیه بحسب النصوص المتواتره و الادله العقلیه انّ الأمامة منصب الهی کالنبوۃ فکما انّ النبی و النبوۃ لیس فی اختیار البشر و انتخابه فکذلک الامام و الأمامة یعیّن من عندالله سبحانه و ذلك مبرهن علیه فی کتب الکلام.

فالذی یعتقده الامامیه ان الله سبحانه عین الأئمة الأئنی عشره بلسان نبیة الأقدس بحسب آیات القرآن الکریم و النصوص المتواتره.

فعلیهذا یستدل علی امامة الامام الحسن سبط الاکبر صلوات الله علیه بروایات منقوله متواترة و هی علی حسب تجزئتنا علی اقسام:

الأول الأخبار الواردة العامة علی امامة الغترة الطاهرة و هی منقوله فی کتب الحدیث و التاریخ متواترة جمعها علماء الحدیث فی کتب خاصة كالمراجعات و العباث و کتب الفضائل لأخواننا من اهل سنه کالینا بیع و ذخائر العقبی و الفصول المهمة و نور الأبصار و اسعاف الراغبین.

کحدیث الثقلین «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی نقله علماء الفریقین متواترا.» و حدیث السفینة «مثل اهل بیتی کسفینة نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق» نقله علماء الفریقین متواترا.

و حدیث: الخلفاء بعدی اثنی عشر کعد نقباء بنی اسرائیل»

نقله علماء الفریقین و ذکر القندوزی فی ینابیع المودة ص ۴۴۵ / ۴۴۷ بعد ذکر اسانید الحدیث تحقیقا رشيقا.

و حدیث «النجوم امان لاهل الارض من العرق و اهل بیتی امان لأمتی من الأختلاف (المراجعات، ص ۵۲، المراجعة) و هذا باب واسع کثیر الأطراف و من شاء فیراجع کتاب المراجعات للعلامة شرف‌الدین و غیره

من الكتب كالعبقات و الغدير.

الثاني: الأخبار الواردة الناصّة على الأئمة الأثني عشر بالاجمال.

كما في اثبات الهداة، ج ٢ ص ٢٤٤ الى ٥٦٦ والكافي ج ١، ص ٥٣٥ / ٥٢٥ ونيابيع المودة ص ٤٤٠ عن المصادر المعتبره.

الثالث: الأخبار الواردة المصرحة على الأئمة الأثني عشر باسمائهم، راجع المصادر المتقدمة ايضاً.  
الرابع قول رسول الله(ص) للحسن و الحسين عليهما السلام اتما الامامان و لأمكما الشافعة (حياة الحسن، ج ١، ص ٤٢، نزهة المجالس، ج ١، ص ١٨٤ والأتحاف بحسب الأشراف، ص ١٢٩). اثبات الهداة: ج ٥ ص ١٤١.

و قوله (ص) الحسن و الحسين امامان قاما، واقعدا (حياة الحسن، ج ١، ص ٤٢ و اثبات الهداة، ج ٥، ص ١٤٢ و ص ١٣٧ و ١٣٤ عن المصدر و غيره.

و قوله (ص) الحسين (ع) هذا امام و ابن امام و اخو امام ابوائمة تسعه (حياة الحسن عن ابن تيمية في منهاج السنة. اثبات الهداة، ج ٥، ص ١٢٩.

قال اميرالمؤمنين عليه السلام للحسن و الحسين عليهم السلام اتما امامان بعدى و سيدا اشباب اهل الجنة و المعصومان حفظكما الله و لعنة الله على من عاد أكما اثبات الهداة، ج ٥، ص ١٣٣.

و قال: يا بنى أنت وليّ الامر و وليّ الدم... (اثبات الهداة ج ٥ ص ١٢٦ و اصول الكافي، ج ١، ص ٢٩٩) و انت يا حسن وصيى والقائم بالأمر بعدى و انت يا حسين شريكه فى الوصية فاصمت و كن لأمره تابعاً، بقى فاذا خرج من الدنيا فانت الناطق من بعده و القائم بالامر عنه (اثبات الهداة، ج ٥، ص ١٤٠).

قال رسول الله (ص): الحسن و الحسين من عترتى و اوصيائى و خلفائى (اثبات الهداة، ج ٥، ص ١٣٩).  
عن اعلام الورى و كشف الغمة و الشافى للسيد ان الشيعة اطبقت اعلى ان علياً عليه السلام نصّ على ابنه الحسن عليه السلام (اثبات الهداة، ج ٥، ص ١٣٣ / ١٣٥ / ١٤٨).

و من الواضح لمن له ادنى المام بكتب الحديث والسيره انّ الأمامة كانت بيدالله يتفضل بها على من يشاء من عباده و هم بنص من النبى الأقدس عترته و ولده الأطهار قال على عليه السلام فيهم ما لا يخفى على المتدرب المتتبع كما فى النهج الخطبة ٨٣ و ٩٣ و ٢٣٤ و ٩٠ و ١٥٠ و ١٤٣ و ١٤٠ و ٢١٤ الى غير ذلك فى الموارد.

فليس ذلك بتعيين احد من البشر بل كان بتعيين الله بلسان نبية الأقدس و اوليائه و قد ذكرنا شرطاً أمنها قال المسعودى فى مروج الذهب، ج ٣، ص ٤٢٥؛ و قد ذكرت طائفة من الناس ان علياً رضى الله عنه اوصى الى ابنه الحسن و الحسين لأنهما شريكاه فى آية التطهير و هذا قول كثير من ذهب الى القول بالنصّ ثم نقل ما يخالفه و فيه قرائن لأخلاق تجاه النصوص المتواترة المتقدمة.

اخرج المحدث الكليني وصية على (ع) فى الكافي ج ١ ص ٢٩٧- ٣٠٠ و اثبات الهداة، ج ٥، ص ١٢١- ١٤٣.

و فى كلمات «اصحابه» يدل على ذلك ايضاً كقول ابن عباس: «معاشر الناس هذا ابن نبيكم و وصي

امامکم فبايعوه» (حياة الحسن، ج ۲، ص ۱۰، عن الأرشاد للمفيد، ص ۱۶۷ و مقاتل الطالبين، ص ۳۴ و اثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۳۹).

وقالا ابولأسود ظالم بن عمر و حين بلغه شهادة على عليه السلام في كلام طويل و ساق الكلام الى ان قال: وقد اوصى بالأمامة بعده الى ابن رسول الله صلى الله عليه وآله و ابنه و سليله و شبيهه في خلقه و هديه و أنى لأرجو ان يجير الله به ما وصى و يسد به ما انثلم و يجمع به الشمل و يطفى الله نيران الفتنة فبايعوه ترشدوا..... الخ (قاموس الرجال، ج ۵، ص ۱۴، عن الأغاني) و في الخرائج عن الحارث الهمداني قال لمامات امير المؤمنين عليه السلام جاء الناس الى الحسن ثم فقالوا انت خليفة ابيك و وصيه و نحن ان سعون المطيعون لك فعزنا بامرک (اثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۳۵).

الخامس: ما نقل عنه صلوات الله عليه في كتبه و خطبته و كلماته الخالدات طيلة حياته.

۱- قال في خطبته في حياة ابيه صلوات الله عليه «ايها الناس ان الله اختارنا لنفسه.... ولا يكون علينا دولة الا كانت لنا العاقبة و لتعلمن نبأه بعد حين (مناقب لأبن شهر اشوب، ج ۲، ص ۱۵۱، كشف الغمة ص ۱۷۱، مروج الذهب في خطب الحسن عليه السلام و امالي شيخ الطوسي، ص ۱۵۰ و ۶۳).

۲- و قال: ان الله عزوجل بمته و رحمته لما فرض عليكم فرائض لم يفرض ذلك عليكم لحاجة منه اليه بي رحمة منه...

فرض عليكم الحج و العمرة و اقام الصلاة و ايتاء الزكاة و الصوم و الولاية لنا اهل البيت.... و لو لامحمد صلى الله عليه وآله و الأوصياء من ولده كنتم حيارى كالبهائم لا تعرفون فرضاً من الفرائض.... فلما منّ عليكم باقامة الأولياء بعد نبيكم صلى الله عليه وآله قال اليوم اكلمت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام دينا و فرض عليكم لأوليائه حقوقاً و امركم بائتها اليهم.....

(امالي شيخ الطوسي، ص ۵۶؛ ينابيع المودة، ص ۳۹۹)

۳- و قال في خطبته بعد وفاة ابيه حين عرض نفسه للبيعة «انا من اهل بيت فرض الله طاعتهم في كتابه... (كشف الغمة ص ۱۵۹ و الشيخ المفيد في الأرشاد و ابن عبدربه في العقد الفريد ص ۶، ج ۲ و مقاتل الطالبين، ص ۳۳ و ابن ابى الحديد، ج ۴، ص ۱۱ و يعقوبى، ج ۲، ص ۱۹۰ و الأستيعاب، ج ۳، ص ۴۸، هامش الأصحابه و اصول الكافي، ج ۱، ص ۴۵۷ و الگنجى الشافعى في الكفاية الطالب، ص ۳۲ و الفصول المهمة ص ۱۶۶، و المسعودى في اثبات الوصية ص ۱۱۹، و الخرائج، ص ۱۴۶، و النسخ الصدوق في الهالى و ابن نسخ الطوسى في الأمالى، ص ۱۶۹ و فى اعيان الشيعة بعدان نقلها عن ابى الفرج الأصفهاني، ص ۸۳، روى عن الحاكم ايضاً دينا بيع المودة، ص ۱۸۶).

۴- و قال فى خطبته بعد بيعة الناس له «نحن حزب الله الغالبون و عترة رسول الأقربون و اهل بية الطيبون و الطاهرون واحد الثقلين الذين خلفهما رسول الله في امة و تالى كتاب الله فيه تفصيل كل شى لا يأتية الباطل من بين و لا من خلفه فالمعول علينا تفسيره لا ننظني تأويله بل نيتقن حقائقه فاطبعونا فان طاعتنا مفروضة اذ كانت بطاعة الله عزوجل و رسوله مقرونة قال الله عزوجل يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الأمر منكم ... الخ. مروج الذهب في خطب الحسن و امالي شيخ الطوسى، ص ۷۳،



والبهار، ج ۱۰، ص ۱۰۰ عن مجالس المفید و امانی الشیخ. وینا بیع المودّة ص ۱۸ و ۲۵۲.

۵- و قال فی خطبته بعد ان صالح معاویه فساق الکلام فی فضائل ابيه و اهل بیه و مثال بنی امیّه (الی ان قال) و ان معاویه بن صخر زعم انی رأیة للخلافة اهلا و لم أرفسلی لها اهلا فکذب معاویه و ایم الله لأننا اولی الناس بالناس فی کتاب الله علی لسان رسول الله صلی الله علیه و آله غیر اننا لم نزل اهل البیت مخفیین؟؟ مظلومین.... (امالی الشیخ الطوسی ره، ص ۱۲/۱۱/۱۰ و البحار، ج ۴، ص ۱۶ باب احتجاج الحسن علیه السلام و الأحتجاج، ص ۱۵۰ و کشف العتمه، ص ۱۷۱ و ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۶ وینا بیع المودّة ص ۳۹۹).

۶- و فی خطبه له ساق الکلام فقال و لقد حدثنی حبیبی جدی رسول الله انّ الأمر یملکه اثنی عشر اماماً من اهل بیته و صفوته مامناً الا مقتول او مسموم - کفایة الاثر للشیخ ابی القاسم العمی و البحار، ج ۱۰، ص ۱۰۱.

۷- و فی کتابه علیه السلام الی معاویه «فان الله بعث محمد صل الله علیه و آله رحمة للعالمین فاطهر به الحق... فلما توفاه الله تنازعت العرب فی الأمر بعده فقالت قریش نحن عشیره و اولیائه فلا تنازعونا سلطانه فعرفت العرب لقریش ذلك و جادتنا قریش ما عرفت لله العرب فهیهات ما انصفتنا قریش و قد كانوا ذوی فضیله فی الدین و سابقه فی الاسلام و لا غرو الا منازعتک ایانا الأمر بغير حق فی الدنیا معروف و لا اثر فی الاسلام محمود.... انّ علیاً توفاه الله و لاتی المسلمون الأمر بعده فاتق الله یا معاویه... (ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۹ و کشف العتمه و المناقب لأبن شهر اشوب، ص ۱۶۶ و فی نسخه المناقب هكذا «و بعد فان امیر المؤمنین علی بن ابیطالب لما نزل به الموت و لانی فی الأمر من بعده، حیاة الحسن، ص ۲۶، ج ۲.

۸- و فی کتابه علیه السلام الی معاویه «اما بعد فانّ الله جلّ جلاله بعث محمدا رحمة للعالمین و منته للمؤمنین و كافة للناس اجمعین....

فلما توفی تنازعت سلطانه العرب فقالت قریش نحن قبیلة و اسرة و اولیائه و لایحل لکم ان تنازعونا سلطان محمد و حقه فرأت العرب ان القول ما قالت قریش و انّ الحجة فی ذلك لهم علی من نازعهم امر محمد فانعمت لهم و سلّنت الیههم ثم حاجبنا نحن قریشاً بمثله حاجبت به العرب بالانصاف و الأحتجاج فلما صرنا اهل بیت محمد و اولیائه الی محاجتهم و طلب النصف منهم باعدونا و استولوا بالأجتمع علی ظلمنا و مرا غمتنا و العفت منهم لنا فالموعد الله و هو الولی النصیر و لقد کنا نتعجب لتوثب المتوثبیرین علینا فی حقنا و سلطان بیننا و ان كانوا ذوی فضیلة و سابقه فی الاسلام و امسکنا عن منازعتهم مخافة علی الدین ان یجد المنافقون و الأحزاب فی ذلك منغمرا یثلمونه به او یكون لهم بذلك سبب الی ما ارادوا من افساده فالیوم فلیتعجب المتعجب فی توثبک یا معاویه علی امر لست من اهله لا بفضل فی الدین معروف و لا اثر فی الاسلام محمود.... انّ علیاً لما مضی لسببیه.... و لا فی السلمون الامر بعده فدع التمادی فی الباطل و ادخل فیما دخل فیہ الناس من بیعتی فانک تعلم انی احق بهذا الأمر منك و عند الله و عند کلّ آداب حفیظ و من له قلب منیب.... (ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۲ و مقاتل الطالبیین، ص ۳۷ و نقل شطرامنه فی الغدیر ج ۱۰، ص ۱۵۹، عن مقاتل الطالبیین و جمهرة الرسائل و شرح النهج لأبن ابی الحدید. حیاة الحسن، ج ۲، ص ۳۰).

۹- و قال فی جواب بعض اصحابه حیث لامه علی مصالحته مع معاویه یا ابا ألسنت حجة الله علی خلقه و

اماما علیهم بعد ابی قلت بلی قال الست الذی قال رسول الله (ص) لی ولأخی الحسن و الحسین امامان قاما  
اووقعدا قلت بلی. قال فانا اذا امام لو قمت وانا اذا امام اذا قعدت قمت یا اباسعید علة مصالحتی لمعاویة علة  
مصالحة رسول الله لبني ضمرة و بنی اشجع و اهل مکه حین انصرف من الحديبية اولئك كفار بالتنزیل و  
معاویة و اصحابه كفار لتأویل یا اباسعید اذا كنت اماما من قبل الله تعالی ذكره لم يجب ان یسفه رأیی فیما  
اوتیتة من مهاده او محاربة (كفاية الاثر. اثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۲۹. عن كتاب العلل للصدوق...)  
۱۰- و قال فی جواب بعض اصحابه ایضا «ألا تعلمون أنى امام و مفترض الطاعة علیکم... اما علمتم  
انه ما منا احد الا و یقع فی عنقه بیعة لطاغیة زمانه الا القائم الذی یصلی خلفه روح الله عیسی بن مریم...  
(الأحتجاج، ص ۱۵۰ و اعلام الوری، ص ۲۴۴ والبحار ج ۱۰ و كفاية الأثر.  
۱۱- و فی كتابه ایضا الی معاویة... فاتبع الحق تعلم انی من اهله (حیة الحسن، ص ۳۸، ابن ابی‌الحدید،  
ج ۴، ص ۱۳، مقاتل الطالبین، ص ۴۱، مناقب لأبن شهر آشوب، ص ۱۴۴، ج ۲.)  
الی غیرذلك من كلماته الخالدات مدى الدهر كلها تحكى ما ذكرناه فی معنى الأمانة و ظهر ممّا ذكرنا  
ایضا نصّ النبى (ص) و امیرالمؤمنین علیه‌السلام بامامة الحسن و الحسین علیهما‌السلام فراجع و تدبر.  
حرّره الحقیر علی‌الأحمدی المیانجی ۱۷ شوال - ۱۳۸۷

### مروری کوتاه بر زندگی آیت‌الله احمدی میانجی

آیت‌الله علی‌احمدی میانجی، چهارم محرم‌الحرام ۱۳۴۵ق (۱۳۰۶خ) در روستای پورسخلو دیده به جهان  
گشود. پدر او را به سال ۱۳۵۸ق (بهار ۱۳۱۸) در سن دوازده سالگی، به شهر **میانہ** آورد تا به تحصیل علوم  
دینی مشغول گردد. پنج سال پس از آن در سال ۱۳۲۶ش عازم **تبریز** شد و در مدرسه «حسن پاشا» ساکن  
گردید و برای مدت کوتاهی در آن مدرسه به تحصیل ادامه داد اما به سرعت عازم **قم** شد و در مدرسه  
**دارالشفاء** ساکن گردید. آیت‌الله احمدی پس از اتمام سطوح عالی فقه و اصول، درس خارج فقه و اصول را  
در خدمت مرحوم آیت‌الله آقامیرزا احمدکافی‌الملک و بزرگانی چون آیات: **بروجردی، گلپایگانی، محقق**  
**داماد و علامه طباطبایی** بهره برد. ارتباط وی با علامه طباطبائی بسیار نزدیک بوده و شدیداً تحت تأثیر  
اخلاق و معنویت ایشان قرار داشت.

آیت‌الله احمدی به همراه چند تن که دوستی آنان بیش از چهل سال دوام آورد: حضرات آیات  
سیدمهدی روحانی، آقا موسوی زنجانی، احمدآذری قمی، احمدپایانی و موسوی زنجانی، یک محفل تفسیری  
داشتند که به مدت چند دهه ادامه یافت. ایشان در جریان انقلاب نیز همواره حضور داشت، و نامشان در پای  
بسیاری از اعلامیه‌های ضد رژیم شاه دیده می‌شود.

در عرصه علمی، آثار فراوانی از ایشان انتشار یافت که برخی در نوع خود بی‌مانند است: آثاری مانند:  
مکاتیب الرسول (۳جلد) مواقف الشیعه (۳جلد)، التبرک، الاسیر فی الاسلام، السجود علی الارض، مالکیت  
خصوصی و توضیحات کتاب «شیعه» علامه طباطبائی آثار متنوع دیگر.

این عالم فرزانه پس از هفتاد و سه سال زندگی توأم با تلاش، تحقیق و پژوهش، بامداد روز دوشنبه،

بیست‌ویکم شهریور ۱۳۷۹ چشم از جهان فرو بست و در جوار حرم حضرت معصومه قم کنار دوست قدیمی‌اش آیت‌الله سیدمهدی روحانی به خاک سپرده شد.

### پرسش دوم حمیدالله

علاوه بر نامه دکتر حمیدالله به اینجانب، پس از مدتی - در تاریخ ۷۶/۲/۶ میلادی - آقای دکتر سیدمهدی روحانی، که به عنوان «نماینده مذهبی ایران در پاریس» فصلنامه «افکار شیعه» را به زبان فرانسه منتشر می‌ساخت و از سوی نظام سابق به پاریس اعزام شده بود، طی نامه‌ای به اینجانب - ضمن اجابت درخواست من برای ارسال مقاله دکتر مظاهری در ۹ صفحه - درباره سیدجمال‌الدین حسینی اسدآبادی که در یکی از مجلات فرانسه چاپ شده بود - مطلبی را که دکتر حمیدالله آن را از نامبرده پرسیده بود، ذکر نموده و درخواست کرده بود که پاسخ دکتر حمیدالله را توسط ایشان بفرستم.

من این نامه را باز به آیت‌الله احمدی میانجی تقدیم کردم که به علت کسالت در یک صفحه و به طور مختصر توضیح لازمه را در این رمینه نوشته‌اند که طبق معمول من رونوشت آن را به پاریس فرستادم و اصل آن را نگه داشتیم که اینک تحت نامه دکتر روحانی و بعد متن پاسخ آیت‌الله احمدی میانجی را می‌آورم.

پاریس - دکتر مهدی روحانی - مرکز اسلامی شیعه.

هو خدمت دانشمند محترم آقای حاج هو سیدهادی خسروشاهی دامت افاضاته.

بعرض عالی می‌رساند در جواب مرقومه شریفه، نامه وسیله آقای برقی ارسال داشتیم. وعده داده بودم مقاله آقای مظاهری را بفرستم اینک در ۹ صفحه بضمیمه ارسال گردید ...

... ضمناً حمیدالله حدیثی از بخاری نقل کرده است که صحت و سقم او را از نظر شیعه خواسته است. انتظار دارم هر چه زودتر جواب مرحمت فرمائید. ضمناً کاغذ آقای حمیدالله بضمیمه ارسال گردید.

بخاری می‌گوید: حضرت رسول در مورد امام حسن فرمود: «اینی هذا سید و لعل الله یصلح به بین فئتین من المسلمین» این حدیث نزد شیعه چقدر اعتبار دارد و مدرک حدیث در کتب شیعه کجا است؟ فوری منتظر جواب هستم.

ارادتمند شما، دکتر روحانی

من متن اصلی نامه دکتر حمیدالله را - که این پرسش در آن مطرح شده بود - به مرحوم آیت‌الله احمدی میانجی دادم تا پاسخ را تهیه نمایند. و پس از ارسال پاسخ، متأسفانه اصل نامه را دریافت نکردم و لذا فقط نامه و درخواست دکتر روحانی نقل گردید. و اینک پاسخ آیت‌الله احمدی میانجی به پرسش دوم دکتر حمیدالله حیدرآبادی.

بِسْمِ

فَرَنْسِ

۸ شوال ۱۳۸۷ هـ

لَعَالِيهَا

صَفِيحَةُ الْاِيْمَةِ ذَا الْفَاوِضِ صَفِيحَةُ فِي الْاَجَلِ

الْمَدَامُ الْمَسْتَوْنِ عَلَيْكُمْ فِي رَحْمَةِ اِيْمِهِ وَرَبَّانِيَّتِهِ

وَبَعْدَ فِتْنَةٍ تَلَمَّتْ مَعَ جَزَائِلِ الْاِكْرَامِ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَفْضُلُهُمْ

بِرَسُولِهَا

اَنَا لَا اُرْقُبُ رَأْيَ الْمُسْتَشْفِقِينَ وَالْاَسْتَاذِيهَا، فَالْتَمَسْتُ

كَأَنَّكَ لَمْ تَنْصَحْ عَلَيَّ فِضْلَتِكُمْ، لِشَغْلِكَ بِكُلِّ هَمٍّ وَهَمِّهِمْ

، لَتَشْتَبِهَ بَيْنَ اَهْلِ الْقَبِيلَةِ بِرَأْفَعِ شَيْءٍ فِي

كَلِمَةٍ، وَاصِلَتِهِمْ هُوَ رَأْيُ النَّاسِ عَنْهُ وَفِي رَأْيِي

الْحَقِيْقَةُ مِثْلُ اَنْتَ كَذُوِّ بِيُوْنِيَّةٍ فَتَمَّ كَطَارِ بِلُوْنِيَّةٍ

مَعَ الرَّصْفَةِ اَلْاَسْرَعِ اَلْاَسْرَعِ اَلْاَسْرَعِ بِلُوْنِيَّةٍ اَسْمَاجِهَا

كِرْتِيْنِيَّةٍ س. ۲. هِي كِرْتِيْنِيَّةٌ بَرْتَنِيَّةٌ Kenigsb 919

وَهِي اِلَانُ فِي رُوْسِيَا

عَلَى الرَّصْفَةِ ۲۳ سَطْرًا ۱۰ دَبْرًا، فِي سُوِيَا: ذَا الْمَرَارِ

پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

هوننا بون عا همة آنا الغزيبه والا تهاذ كرتيلو  
المترنوف، همان في بون Donn .

همان، لصفحه ۱۹، سطر ۱۳ ذکر المؤلف المرصوم: «و  
أوصى بئني ولدك الحسن .. ع لنت شعري هل يكن لفضيلتكم  
أرجى الى ما قد رشتن ع رنجي الى ان سيدنا هبط  
على رضى له عنه، سمي ابنه ولأ العده . فان له  
اهية كبرية حتى ما رنج علم الدستور عند المسلمين ومنذ  
سنتين عدويه ان ثل العده و آ تصفح الالب عنه . برني  
نجا ۲ .

ان كتب العضا ثم تذكره ذلكا لسي التاريخ لا تذكره .  
هناك وصية له صوغته لسي فاعلى ولكن ليس  
فيها ذكر المكرمة والامامة اذ الخلافة . بل سأل  
عاطة ثلثة منجب . فاذا كانت تريد وصية اخرى  
تدبر الامامة فهوذا ايجب عنه .  
لو كان المؤلف المرصوم حياً لعرضت عليه بعض ما

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

عمر بیالی، کالمترنوف، کحوال صدر الاول اسلام .

و دستم و العاضة الامة . الخادم

محمد حمید اله

بیت

4, Rue de Tournon,  
75- Paris VII / France,

في ٨ شوال ١٣٨٧ هـ

حضرة الاستاذ العالم حنّله رحمه في الأجل والعاجل

السلام المسنون عليكم درعة الله وبركاته .  
ومبه فقد استلقت بح جزيل الشكر الكلب المتى تفضلتم  
بإرسالها .

أنا لا أرتجب أفراد المنشورين ولا استناد بما ، فأعلم  
كما لا يخفى على فضيلتكم ، يشغلون بكل همهم واهتمامهم بالنتيجه بين  
أهل القبلة . وأمنت شي في كتاب " أصل الوثيقة " هو أفراد  
الناشئة عنه . وفي رأي الجفيرة منكم أمنت له خود بهو يد نه كه  
عظايركو به .

على الصفحه ٢٤ سطر ١٦ : لا يوجد بلده اسمها  
كودنيكو سوخ . هي كوينيكنس برك Koenigsberg وهي الآن  
في روسيا .  
على الصفحه ٣٣ سطر ١٠ : " برك " في سويسرا ؛ والفرد  
هنا بون عاصمة ألمانيا الغربية والاستاذ كرينكو المتوفى كان  
في بون . Bonn .

على الصفحه ١٠٩ سطر ١٣ ذكر المؤلف المرحوم " وأدعى  
على ولده الحسن " . لبيت شعره على يمين لفضيلتكم وأرجاى الى  
ما أخذ واستند تاريخى الى أن سيدنا علياً رضي الله عنه سمى ابنه  
ولياً ولده . فاني له أهبة كبيرة في تاريخ علم الدستور عند  
المسلمين ، ومنه سفين عديرة أسائل العلماء وتفضلت كلب عنه

به وون نجاح . إن كُتبت العقائد تذكره ، وإن كُتبت التاريخ  
لا تذكره . هناك وصية معروفة لسيدنا علي - ولكن ليس  
فيها ذكر الحكومة أو الإمامة أو الخلافة ، بل مسائل عائلية  
فحسب . فإذا كانت توجد وصية أخرى تذكر الإمامة  
فعو ما أبحث عنه .

لو كان المؤلف المرحوم حيناً عرضت عليه بعض ما يمر  
ببال كالمتواريخ لأحوال صدر الإسلام .

ودمت بالعبية الشامة  
الحامد

محمد حميد الله

پیام بهارستان / ٢٠٠٣ ، ش ٧ / بهار ١٣٨٩



در مورد حضرت علی (ع)

محرران و مؤلفان پر از اسم مروی است که در کتاب

فصله

لطف آن متفکران است که آنرا از آنجا که در کتاب

علام

در جلد ۴۴ بحار الانوار ص ۲۹۸ از من قبایح در این کتاب

عالم

الدی و کتب انتم نقل کرده است که در کتاب

نقش

تنها به این ترتیب بلکه علیه الأدلای در عجب و سوطی در کتاب

ص ۱۲۴ و فضول مهم ص ۱۵۸ و بیع از بنابر در کتاب

نقل کرد است در کتاب ص ۲۲ ص ۱۴ و احاطه که مستجاب

در ترجمه آن حضرت آمد و در علوم انسانی

محمد علی